

دشواریهای پیاده کردن "اهداف هزاره سازمان ملل متحد" در پیوند با "جهانی شدن غرب مدار"

1. پیشگفتار: جلسه سازمان ملل متحد؛ تسکین بخش اوضاع متشنج
2. جزییات "اهداف هزاره"
3. اهداف هزاره؛ فرآورده تلاشهای هدفمند
4. ترازنامه پیاده کردن اهداف هزاره
5. ارزیابی انتقادی؛ تامین متداوم "احتیاجات اولیه" از طریق سیاستهای اقتصادی و برنامه های اجتماعی در خور اوضاع هر کشور پیرامونی
6. رویکردها

دشواریهای پیاده کردن اهداف "هزاره سوم" در پیوند با "جهانی شدن غرب مدار"

طرح "اهداف انکشافی هزاره سوم سازمان ملل متحد" فرآورده تلاشهای هدفمندی است که از زمانه های دور به اینسو در رویارویی با نیروهای بازدارنده سیر تکاملی خویش را پیموده است و بالاخره این اهداف در همسویی با نیازمندیهای جهانی شدن غرب مدار، مورد بحث قرار گرفتند. از همین جاست که پیاده کردن این اهداف در جنبه جهانی شدن حاکم بزودی با دشواریهای چندی روبرو شد. تضمین بسر رساندن این اهداف در کشورهای پیرامونی، در دراز مدت می تواند تنها از طریق سیاستهای اقتصادی و اجتماعی گسترده و ممد انکشاف پایدار و آنهم در یک فضای سالم سیاسی، سراغ شود.

1 پیشگفتار: جلسه سازمان ملل متحد؛ تسکین بخش اوضاع متشنج

از تاریخ 20 تا 22 سپتامبر سال جاری میلادی در مقر سازمان ملل متحد در نیویارک، نشست عالی "مبارزه با فقر" برگزار شد. در این نشست سران 125 کشور جهان حضور بهم رسانده بودند. بعد از سه روز سخنرانیهای سران کشورها، نشست عالی "اهداف انکشافی هزاره" - Millennium Development Goals - در مورد طرحی توافق کرد که در آن از یکسو از وجایب کشورها در قبال تطبیق هشت هدف مبارزه با فقر تا سال 2015 مطرح بود و از سوی دیگر بخشی از اشتراک کنندگان برای امور صحی خردسالان و زنها و مبارزه با گرسنگی و امراض وجایب بیشتری را به عهده گرفتند (1).

با در نظر داشت تجارب و دستاوردهای ده سال گذشته اشتراک کنندگان نشست عالی "مبارزه با فقر" به توافقاتی رسیدند، که در آن به ویژه در برای تسریع و پیاده کردن اهداف یادشده از برداشتن گامهای مشخصی سخن به میان می آید.

در این نوشته نخست "اهداف انکشافی هزاره" توضیح می گردد و در قدم بعدی ترازنامه تلاشهای سازمان ملل در ده سال گذشته ارائه می شود. در اخیر، در بخش ارزیابی انتقادی، ضرورت طرح «اهداف هزاره» در پیوند با جهانی شدن غرب مدار مورد غور قرار می گیرد. با بررسی دشواریهایی که در راه برآوردن این اهداف به مثابه تامین "احتیاجات اولیه بشر" دیده می شوند، دامنه این بحث در همین جا برجیده نشده بلکه "بدیل مشخصی" نیز پیشنهاد می شود.

2. جزئیات "اهداف هزاره"

پس از ده سال نشستهای پی در پی و اجلاس عالی، سران کشورهای عضو سازمان ملل متحد در اوایل سپتامبر سال 2000 میلادی در مقر سازمان ملل متحد در نیویارک، با هم گرد آمدند، تا پیرامون اوضاع رقتبار صحتی، گرسنگی روزافزون، بیسوادی گسترده و از همه مهمتر برای بهتر ساختن موقف زنان و امحای تعدی و تفاوتهای جنسیتی حاکم بر کشورهای پیرامونی، اهداف معینی را تشخیص و تدابیر مشخص عملی اتخاذ نمایند (2). بالاخره بعد از سه روز گفتگوهای فراوان و گاهی هم نمادین، مجمع عمومی سازمان ملل به تاریخ 8 سپتامبر همان سال فیصله نامه ای را زیر عنوان "اعلامیه هزاره ملل متحد" به جهانیان پیشکش نمود (3). در این نشست سازمان ملل متحد، از جمله 189 کشور عضو همان سال، 147 تن از سران دولت ها و حکومت ها شخصاً حضور بهم رسانیده بودند.

در این اعلامیه که در هشت بخش تدوین شد، نخست بر یک سری از ارزشها و اصول سیاسی اجتماعی پا فشاری به عمل می آید. با پیروی از این اصل که هر دولت بطور جداگانه مسوولیت جامعه خود را بدوش می کشد، کشورهای عضو ملل متحد بر "مکلفیتهای جمعی" استوار برکرامت بشری، تساوی و برابری همه در سطح جهانی مهر تایید میزنند. به اضافه آن اعلامیه یاد شده بطور مشخص به "منشور سازمان ملل متحد" و "اعلامیه جهانی حقوق بشر" تمسک بسته و رعایت آزادی، عدالت، همبستگی و بردباری را با خط درشت مینویسد.

در بخشهای بعدی این اعلامیه از تامین صلح، آزادی و خلع سلاح سخن رفته است و موازی با آن بر رعایت همه جانبه حقوق بشر، دموکراسی و حکومتداری خوب مهر تایید زده میشود. از آنجایی که کره خاکی ما به مثابه "جهان واحد" تشخیص می شود، حفظ محیط زیست نیز در دستور کار روز قرار گرفته و وجبیه همگانی تلقی می شود. در اخیر با در نظر داشت نقش روزافزون سازمان ملل متحد، بر تقویه و گسترش آن بحیث بنیاد جمعی همه کشورها تاکید به عمل می آید.

در راستای "اهداف انکشافی هزاره" هشت نکته زیر تشخیص و بعد زمانی پیاده کردن آنها نیز تعیین می گردد:

- 1) امحای فقر و گرسنگی؛ با در نظر داشت سطح درآمد در سال 1990 بحیث شاخص، تا سال 2015 باید شمار آن کسانی که روزانه کمتر از یک دالر امریکایی درآمد دارند، به نصف کاهش یابد.
- 2) آموزش سرتاسری؛ تا سال 2015 باید برای همه خردسالان، اعم از دختر و پسر، تسهیلات آموزش ابتدایی مهیا شود.
- 3) تساوی جنسیتی؛ تا سال 2005 باید عدم تعادل بین دختران و پسران مکاتب ابتدایی و ثانوی از بین رفته و تا سال 2015 باید در تمام سطوح دیگر تسهیلات آموزشی مساوی برای زن و مرد آماده گردد.
- 4) صحت و سلامتی اطفال؛ مرگ و میر کودکانی که کمتر از پنج سال عمر دارند، باید تا سال 2015 در حدود 66 درصد کاهش یابد.
- 5) بهبود بخشیدن وضع صحتی مادران؛ رقم مرگ و میر مادران بایست تا سال 2015، 75 درصد کاهش یابد.
- 6) مبارزه با امراض ایدز، مالاریا و دیگر بیماریهای مدعش؛ شمار مبتلایان به این امراض باید تا سال 2015 به نصف کاهش یابد.
- 7) رعایت دوامدار حفظ محیط زیست؛ اصل انکشاف پایدار باید در برنامه ها و سیاستهای کشورهای ادغام شود و از ضیاع منابع محیط زیست خودداری به عمل آید.
- 8) تقویه همکاری جهانی در جهت انکشاف گسترده؛ باید تلاشهای جدی در جهت شکل گیری یک نظام هرچه آزادتر، قابل پیش بینی و بدون تبعیضات تجاری بایست به خرج داده شود (4).

3. اهداف هزاره؛ فراورده تلاشهای هدفمند

فراخواندن نشست ویژه سازمان ملل جهت تدوین اهداف هشت گانه مبارزه علیه فقر و پدیده های خانمانسوز ناشی از آن نبایست زاده تصادف و یا محصول اندیشه یک ویا چند تن "خیر خواه" انگشت شمار پنداشته شود. برخلاف، گفتمان فقر و گرسنگی، بدون شک حاوی ریشه دور و دراز تاریخی خوانده شده می تواند. از جمله بعد از جنگ دوم جهانی و موازی با شکل گیری جهان پسا استعمار مستقیم و به ویژه در پشت پرده "جنگ سرد"، مبارزه برای دستیابی به منابع و بکاربرد آن در جهت رفع "احتیاجات اولیه" در کشورهای پیرامونی با نشیب و فراز پیوسته ای روبرو بوده است. اگر تدوین "منشور حقوق بشر" در بدوامر، که در آن ارزشهای جهانشمول از قبیل حقوق آزادی های سیاسی، عدم تبعیض جنسی و نژادی مورد تاکید قرار گرفته اند، به مثابه دسناورد بزرگ نیمه دوم سده بیستم خوانده شود، به یقین می توان ملحقات بعدی آن را، که شامل نکات گسترده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می باشند، گامهای گسترده تری در راه تامین رفاه و آسودگی بشر تلقی کرد؛ گامهایی که در آن مبارزه با فقر و پدیده های ناشی از آن اولویت می یابند. از همین جاست که تدوین اهداف هشت گانه سازمان ملل را باید فراورده تلاشهای متمادی و هدفمندی خواند که پس از به قوام رسیدن مشخص تاریخی، نیازمندیهای "جهانی شدن غرب مدار" نیز در راستای تمثیل و تجسم

آنها نقش بارز بازی نموده اند. با وجود آنهم پیاده کردن این امر در عمل با دشواریهای فراوان روبرو است. اینکه چرا اهداف هشت گانه در آغاز سده 21 مطرح شدند، بایسته است جواب آنرا در کنار یک سری از مسایل سیاسی، از جمله مسئله "برخورد تمدنها" و مبارزه با دهشت افگنی، در ارقام گنج کننده و شاخصهای فقر و گرسنگی در اخیر سالهای نود سده بیستم جستجو نمود.

طبق آمار سازمان ملل، شمار انسانی که در سالهای نود روزانه بایسته با کمتر از یک دالر امریکایی به زندگی بخور و نمیر خویش ادامه میدادند به یک میلیارد و دوصد میلیون بالغ می شود(5). پر واضح است که "درآمد قابل تصرف" یگانه معیار فقر پنداشته شده نمیتواند. باز هم در سالهای نود شمارکسانی که در کشورهای پیرامونی از کم غذایی، گرسنگی مداوم و امراض مزمن رنج میبردند 826 میلیون و شمارکسانی که بر اثر این بیماریها چشم از جهان می بستند سالانه 6,3 میلیون رقم زده شده است. شمارکودکانی که قبل از سن 5 سالگی طعمه مرگ می گردیدند 11 میلیون ثبت شده است (6). در رابطه با تسهیلات آموزشی نیز انکشاف اوضاع امیدبخش جلوه نمی کرد. بطور نمونه در سال 1998 در حدود 113 میلیون کودک محروم از آموزش ابتدایی بوده و 97 درصد این رقم در کشورهای پیرامونی و بخصوص در "عقب مانده ترین" کشورهای جهان زیست می نمودند(7). قابل توجه اینکه 60 درصد این محرومان از آموزش ابتدایی را دختران تشکیل می دادند.

نا گفته پیدا است که این وضع تنها نشانه بارز از تبعیض جنسیتی نبوده بلکه خود بیانگر سیاستهای نا سالم اقتصادی و اجتماعی میباشد. شمار مرگ و میر خانمهای حامله دار هنوز هم دلخراشتر رقم زده شده است. نظر به ارقام 1995 سالانه در حدود 515 هزار زن بر اثر عوارض ناشی از حامله داری جان خود را از دست داده اند و 99 درصد این رقم در کشورهای پیرامونی بوقوع پیوسته است. در اخیر ارقام مبتلایان به ویروس ایدز بیشتر از همه جانگداز تر بوده است. در اخیر سالهای نود رقم مرگ و میر قربانیان مبتلا به بیماری ایدز 36 میلیون گفته شده است. نا گفته نماند که با وجود دست آوردهای نسبتاً مناسب سالانه هنوز هم دو میلیون انسان قربانی توبرکلوز شمرده میشوند(8).

4. ترانزنامه پیاده کردن اهداف هزاره

بعد از سپری شدن ده سال، ترانزنامه دستاوردهای سازمان ملل در باره اهداف هزاره این سازمان، هم در رابطه با تنوع و هم در پیوند با حوزه های مختلف بصورت متفاوت، وانمود می شود: در بخشی از اهداف پیشرفتهای قابل ملاحظه ای به وجود آمده اند، در بخشهای دیگر انکشاف با رکود مواجه بوده و در اخیر در پیاده کردن بعضی از اهداف دشواریهای بخصوصی بروز کرده اند که در آخرین تحلیل ایجاب تلاشهای بیشتری را مینماید. اگر در حوزه جنوب افریقا کشورها در مبارزه با مبتلایان ویروس ایدز دست و پنجه نرم مینمایند، در مناطق پر جمعیت جهان از قبیل هندوستان و بنگلادیش کثرت اطفال به مثابه مانع در راه رسیدن به اهداف پنداشته می شود. در افغانستان به ذات خود، در کنار یک سلسله مسایل دیگر، موضوع عدم امنیت بحیث یک مانع مهم در راه پیاده کردن اهداف هشت گانه عرض اندام مینماید.

در رابطه با نتایج تلاشهای گسترده سازمان ملل در گزارشی که برای مجمع عمومی از جانب خود این سازمان تهیه شده بود، به دشواریهایی اشاره شده است و دستاوردها نیز با ارقام پیشکش شده اند. (9) در اینجا بشکل نمونه ارقامی چند از بخشهای مختلف و مهم اهداف هزاره تذکار می شود. نظر به ارقام این گزارش با وجود داشتن افت و نزول پایه "انکشاف و رشد اقتصادی" ناشی از بحران مالی جهانی، آشفته گی بازار مواد غذایی و بحران انرژی در سالهای 2008 و 2009، کشورهای رو به انکشاف در راه پیاده کردن اهداف هزاره در تحرک دیده میشوند. انتظار میرود که فقر و گرسنگی تا سال 2015 در حدود 15 درصد تخفیف یابد. این رقم بیانگر آن است که شمار انسانی که هنوز هم زیر "خط سرخ فقر جهانی" قرار خواهند داشت به 920 میلیون نفر بالغ می شود. در مقایسه با سال 1990 این عدد کاهش چشمگیری را بازتاب می دهد (10). این رابطه را میتوان به نوع دیگر بیشتر روشن ساخت: تعداد کسانی که در سال 1998 در کشورهای پیرامونی زیر خط سرخ شاخص گرسنگی قرار داشتند به 48 درصد جمعیت این کشورها بالغ می شود. در سال 2009 این رقم به 31 درصد کاهش یافته است. در قبال مبارزه با مرگ و میر اطفال گزارش سازمان ملل بزرگترین دستاورد را اراء میدارد. اگر در سال 1990 بیشتر از 12,5 میلیون طفل طعمه امراض گونا گونا گون گردیده اند، در سال 2008 این رقم به 8,8 میلیون کاهش یافته است. پیروزی سازمان ملل بخصوص در بخش رساندن آب آشامیدنی در شهرها چشمگیر بوده است و با وجود رکود نسبی، در مقایسه با سال 1990 زمینه استفاده از آب پاک آشامیدنی برای 94 درصد شهر نشینان فراهم شده است(11). در مورد آماده ساختن زمینه مساوی آموزشی برای دختران و پسران، در سطوح مختلف آموزشی، با انکشاف چشمگیر متفاوت برمیخوریم: فیصدی دختران به تناسب پسران از سال 1998 تا 2008 از 91 به 96 درصد در مکاتب ابتدایی بلند رفته است؛ در حالیکه این رقم در مکاتب ثانوی از 85 درصد به 95 درصد ارتقا نموده است. در گزارش یادشده در کل فقر و تنگدستی را بزرگترین موانع بر سر راه آموزش همگانی خوانده است.

5. ارزیابی انتقادی؛ تامین متداوم "احتیاجات اولیه" از طریق سیاستهای اقتصادی و برنامه های اجتماعی در خور اوضاع هر کشور پیرامونی

در جواب این پرسش که آیا اهداف هزاره سوم سازمان ملل تا سال 2015 میلادی برآورده خواهد شد یا خیر، نمیتوان بدون چون و چرا آری و نه گفت. درین مورد یک سری از عوامل گوناگون داخلی کشورهای پیرامونی با عوامل متنوع خارجی در محدوده جهانی شدن غرب مدار در "گره کور" باهم در پیوند ساختاری و مالی خیلی ها پیچیده قرار گرفته اند. نخست از همه رسیدن به اهداف هزاره مشروط به امکانات مالی دیده میشود که بصورت مشخص وبدون حیف ومیل کردن منابع، تحت شرایط بخصوص هر کشور سرمایه گذاری میگردد. ساختار های سیاسی و کفایتهای اقتصادی اکثر کشورهای پیرامونی به تنهایی جوابگوی هزینه های هنگفت چنین پروژه های قوای بشری تلقی نمیگردند. البته در اینجا منابع مالی خارجی که با عناوین مختلف ولی زیر سقف "کمکهای انکشافی" مورد بحث قرار میگیرند نقش مهم ایفا مینمایند.

الف: عدم تضمین تمویل کافی

یک گروه پژوهشی امریکایی تحت نظر Sachs D. Jeffrey کارشناس اموراتقتصادی دردانشگاه هاروارد ایالات متحده امریکا باین نتیجه میرسد که "کمکهای انکشافی" از 70 میلیارد دلار امریکایی در سال 2006 بایست بصورت تدریجی و متواتر تا سال 2015 به 130 میلیارد دلار بلغ گردد. (12) درین جا بایسته است افزود که در این پژوهش پایه انکشاف اقتصادی در کشورهای پیرامونی بزرگتر از آنچه محاسبه شده که واقعیتهای این کشورها شهادت میدهند. باین اساس سهم مالی خود این کشورها در تمویل پروژه های اهداف هشت گانه بمراتب کمتر از آن خواهد بود که در محاسبه دانشگاه هاروارد گنجانیده شده است. با ضافه آن کشور های غرب حاضر نخواهند شد تا مبلغ مذکور را بشکل منظم در اختیار کشورهای پیرامونی قرار دهند. چانه زندهای سران کشورهای غرب در مجمع عمومی سازمان ملل در سپتمبر سال جاری بر این امر گواهی میدهد. کشور های غرب بعد از سپری شدن سه دهه هنوز هم حاضر نیستند که به وعده خویش وفا نموده و 0,7 در صد محصول نا خالص اجتماعی خویش را به مثابه "کمکهای انکشافی" در اختیار کشورهای پیرامونی قرار دهند. در اینجا قابل تذکر است که منابع مالی که از کشورهای پیرامونی سالانه به کشورهای غرب یا بحیث فرار سرمایه و یا در نتیجه روابط غیرعا دلانه داد و ستد سرازیر میگردد به بیش از 250 میلیارد دلار امریکایی بالغ میگردد. البته در غرب میتوان امکانات مختلف افزایش کمکهای انکشافی را سراغ دید. از جمله میتوان از مالیات بر داد و گرفت مالی به سطح جهانی یاد کرد که با نام James Tobin، کارشناس امریکایی شهرت یافته است. بر مبنای نظر توبین مالیات بین 0,05 تا 1,0 در صد بر داد و گرفت بین المللی پول، از طریق سیالیته مالی از یک طرف منجر به نظم بخشیدن بازار مالی گردیده و از سوی دیگر، اگر حاصل این مالیات که سالانه بر صد ها میلیون دلار بالغ میگردد در راه انکشاف اقتصادی جهان سوم بمصرف برسد، زمینه ساز رفاه اقتصادی نیز شده می تواند (13).

ب: مسئولیت اساسی دولت های ملی به مثابه شرط کلی

از قدیم گفته اند که "هیچ دایه ای مهربانتر از مادر وجود ندارد". به یقین که علل عقب ماندگی و فقر حاکم در کشور های پیرامونی مغلق و بسیار پیچیده تر از آن است که در "سیاستها و مداخلات اجانب" خلاصه کرد. اکثر نخبگان کرسی نشین در کشورهای پیرامونی به نظریه پردازیهایی "توطئه های خارجی" پناه برده و ازین طریق تلاش می نمایند تا استبداد و تعدی نظامهای شان و فقر و فلاکت ناشی از آنها توجیه کنند. اگر هم این پدیده کم و زیاد صدق نماید، که در بسا موارد یقیناً مصداقهای دارد، باز هم "دست شکسته بارگردن"، این موضوع بیانگر تشتت سیاسی، قوم گرایی و مهمتر از همه باز گو کننده عدم کفایتهای این قشر می باشد که با وجود شرایط دشوار حاکم نتوانسته اند سرنشینان کشتی شکسته کشورهای شان را، به ساحل نجات برسانند. از همین منظر در قدم اول باید مسئولیت حکومتهای این کشورها برای تامین اهداف هشت گانه جهت تامین "احتیاجات اولیه" موضوع بحث قرارگیرد. این وجیبه تاریخی نخبگان سیاسی کشورهای پیرامونی است تا در راستای پیاده کردن این اهداف سیاستهای اقتصادی همه جانبه و برنامه های اجتماعی گسترده و در خور اوضاع کشورهای خویش طرح نمایند. در همین جا لازم به یاد آوری است که با پیش کشیدن علت های دروغین مانند فرهنگ جامعه سنتی، نباید رفع تبعیض جنسیتی را فدای "مرد سالاری" و یا "پسر سالاری" کرد. البته در قدم دوم و حتی موازی به آن تلاش گردد تا به مساعدت سازمان ملل و کشورهای "کمک کننده" برنامه ها مذکور در عمل پیا ده گردد. برای جلوگیری از سهل انگاری ها، کم کاریها و بالاخره سو استفاده ها بای حکومتها نه تنها در مقابل ملت های خویش مکلف به حساب دهی باشند، بلکه باید سالانه به سازمان ملل در مورد گزارش دهند

درین مورد میتوان "ماتریکس" بخصوص "رفاه اجتماعی" را طرح و عملی کرد. قابل تذکر است که بوتان، کشور کوه پایه های همالیا از سالهای هفتاد سده بیست به اینسو و موازی با شاخص "محصول غیر خالص داخلی" - Gross Domestic Product- شاخص طرح شده خود آن کشور به نام "خرسندی ملی" - Gross National Happiness- را بکار میبرد. درین شاخص

نکات مختلف به مثابه رفاه اجتماعی و اقتصادی درج و ارز یابی می شوند. در اینجا میتوان از نکات آتی مندرج درین شاخص نام گرفت:

سطح زندگی، امور صحتی، حالت روانی، امور آموزشی، اکولوژی، همزیستی اجتماعی، دسترسی به نشرات و شیوه حکومتداری. استفاده متداوم از این شاخص میتواند رهنمود مفیدی در سنجش پایه خوشبختی و یا عدم آن پنداشته شود (14). نویسنده در گفتمان "عدالت ستمی" برای سرزمین هندوکش ماتریکس بخصوصی طرح و پیشنهاد نموده بود که آنرا میتوان با مثال امور صحتی آیینی انکشاف متوازن صحتی در افغان نستان پنداشت(15). با در نظر داشت این مثالها میتوان برای میزان پیاده کردن اهداف هشت گانه شاخصی را طرح کرد که در آن سالانه پایه رشد امور، موضوع بحث سنجش گردیده و با بازنگری های لازم پیاده میگردد. بدیهی است که در کنار "دست آورد های" سالانه باید "عدم پیروزیها" نیز ثبت شوند. بحیث مثال، کار مندان حکومت افغانستان، از شخص رییس جمهور آقای حامد کرزی تا سطوح پایین بطور خستگی نا پذیر به رخ ملت و جهانیان می کشانند و می گویند که امروز بیش از شش میلیون کودک افغان مکتب رو بوده و از نعمت آموزش برخوردار اند. صرف نظر از چگونگی سطح درسی و تسهیلات زیر ساختاری میتوان این رقم را در واقع به مثابه "دستآورد" شمرد. بخصوص اگر موضوع را در مقایسه با زمان نظام "التقاطی استبدادی" و فرهنگ ستیز ملیشه های طالب از نظر بگذرانیم. ولی نکته ی که در اینجا گنگ میماند عبارت است از اینکه هنوز هم سه میلیون کودک دیگر از نعمت آموزش محروم اند.

اینک در اخیر بار دیگر در رابطه با اهداف هشت گانه نکات چند به شکل مقایسوی ارائه میگردد:

در جهان خاکی ما، که حجم داراییهای یک "خرپول" امریکایی مساوی به محصول نا خالص یک کشور پیرامونی رقم زده میشود، امروز در حدود بیشتر از یک میلیارد انسان با فقدان آب آشامیدنی مبتلا بوده و بیش از یک میلیارد انسان دیگر با گرسنگی دایمی دست و پنجه نرم مینمایند.

بازهم در جهان خاکی ما، که "شاهزاده های خلیج نشین عرب" به مبلغ 400 میلیون دالر امریکایی یک هواپیمای شخصی برای خوشگذرانی فرمایش میدهند، سالانه در حدود یک میلیون انسان در اثر مریضی ملاریا، 1,3 میلیون در اثر توبرکلوز و دو میلیون انسان دیگر در اثر ایدز برای ابد چشم از جهان می بندند. (16)

در اخیر، اینبار در خانه آبابی ما، که نور دیده های "نو کیسه" فقط به غرض صرف نان شب قدم رنجه کرده عازم "ویلاي مجلل" خویش در سوا حل دویی می گردند، در کنار "کاخهای با شکوه" آنها درویرانه های کابل "طفلی از گرسنگی جان میسپارد" و مادری جز اشک فراوان چیزی دیگری ندارد تا بحیث توشه راه برای سفر ابدی جگر گوشه خویش به ارمغان دهد.

تدوین "اهداف هزاره سوم" و بر آوردن آنها بحیث "احتیاجات اولیه" و بخش لازمی حقوق بشرویدون هر نوع تبعیض چالشی است بسا پیچیده و سنگین. ولی اگر وجدان بشریت وجیبه پیاده کردن این اهداف را جدی بگیرد، میتواند با طرح راه یافتهای عملی از عهده تادیات مالی آن نیز برآید.

6. رویکردها:

(1) United Nations Summit , 20-22- September 2010, New York, Presse Release,, September 22, 201

(2) <http://www.un.org/millenniumgoals/bkgd.shtml>

(3) <http://www.un.org/millennium/declaration/ares552e.pdf>

(4) <http://www.un.org/millenniumgoals/global.shtml>

(5) <http://www.un.org/documents/ga/docs/56/a56326.pdf>

(6) همانجا

(7) همانجا

(8) همانجا

(9) The Millennium Development Goals Report :

<http://www.un.org/millenniumgoals/pdf/MDG%20Report%202010%20En%20r15%20-low%20res%2020100615%20-.pdf>;

(10) همانجا

(11) همانجا

(12) <http://www.rpoth.at/serendipity/index.php?/archives/62-Millenniumsziele-Finanzierung-Neue-Steuerideen-sind-keine-Goldgrube.html>

(13). <http://www.attac.at/tobinsteuer.html>

(14) Indikatoren des Glücks, in: : Le Monde diplomatique, Juli 2010

(15). <http://www.goftaman.com/daten/fa/index.htm>

(16). **The Christian Science Monitor – Csmonitpr.com, August 31, 2010**